

■ کارنامه سیاست‌های اشتغالزایی در دو برنامه گذشته

دفتر بررسی‌های اقتصادی

۱- مقدمه

بازار کار یکی از مهم‌ترین بازارهای چهارگانه در اقتصاد است که به لحاظ ارتباط با منابع انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. منابع انسانی در هر کشور اعم از تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران در سطح کلان مدیران و کارکنان در سطح خرد، همواره به عنوان محوری‌ترین عامل رشد و توسعه مطرح بوده است، لیکن در اکثر کشورها

برنامه‌ریزی و فراهم آوردن زمینه‌ها و بستر مناسب جهت بهره‌برداری کامل و متناسب از منابع انسانی در برنامه‌های توسعه از مسائل مهم و کلیدی می‌باشد. اگر در گذشته تصور می‌شد که وجود منابع و مخازن غنی و وسیع به تنهایی می‌تواند عامل رشد و رونق اقتصادی باشد، طی سال‌های اخیر ظهور کارآفرینی نیروی انسانی و تکنولوژی، این فرضیه را با شک و تردید

در چارچوب عناوین زیر پیگیری و به انجام می‌رسد. در بخش اول اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه اول و دوم توسعه براساس مفاد اسناد قوانین برنامه اول و دوم توسعه ارائه و مورد نقد قرار می‌گیرد. بخش دوم به ارزیابی اهداف و عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه اول و دوم توسعه می‌پردازد.

قابل ذکر است که به موجب فقدان آمار و اطلاعات کافی و مستند برای سال‌های میانی سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، سعی شده است که تنها براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن و جاری جمعیت سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ تحلیل صورت گیرد. در پایان نیز جمع‌بندی مطالب مورد بررسی ارائه می‌گردد.

۲- اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه اول و دوم توسعه

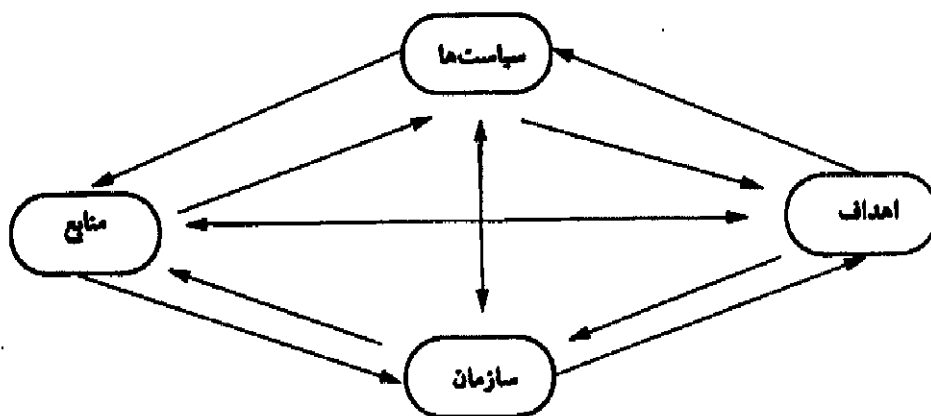
قبل از پرداختن به اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه لازم است توضیح داده شود که براساس مبانی نظری و تجربی سایر کشورها در زمینه برنامه‌های توسعه و تدوین استراتژی روشن و هدفمند اشتغال‌زایی، تحقق اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی، توجه و عنایت به چهار عامل محوری به شرح نمودار زیر بسیار مؤثر و اساسی است:

همراه نموده به طوری که نقش سرمایه انسانی و نیروی کار در صحنه‌های اقتصادی چنان آثاری از خود به جای گذاشته که می‌توان با تکیه بر نیروی کار کیفی و کار آفرین، فرایند رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی را سرعت بخشید. در این رابطه مقوله‌های اشتغال و بیکاری به موجب اثرات، تبعات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی که از خود بر جای می‌گذارند، از جمله موضوع‌هایی می‌باشند که می‌باید در کانون توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی-اجتماعی قرار گیرند.

مسائل و مشخصه‌های جمعیتی در ایران حکایت از رشد فزاینده جمعیت، جوان بودن جمعیت، نرخ رشد بالای جمعیت فعال، نرخ بالای بیکاری، کم‌کاری و بیکاری پنهان، نرخ بالای بار تکفل، ضعف شدید آموزشی-تخصصی و... دارد که جملگی آنها همراه با کمبود امکانات، ضعف اساسی سرمایه‌گذاری‌های مولد و زیربنایی، کمبود فرصت‌های اشتغال متناسب با عرضه نیروی کار، مسائل و مشکلات حقوقی، قانونی و فرهنگی، رشد بی‌رویه فعالیت‌های غیرمولد و... مجموعه‌ای ناموزون و غیرکارایی را شکل داده است که آثار و عوارض منفی بسیاری بر ساختار اقتصادی کشور طی دهه‌های متمادی و به‌ویژه سال‌های اخیر، تحمیل نموده است.

با عنایت به مطالب فوق مطالعه حاضر

نمودار ۱



همان طوری که نمودار فوق نشان می‌دهد مسئله اساسی در برنامه‌ریزی راجع به موضوع‌های مختلف، انتخاب اهداف دست‌یافتنی و متناسب با شرایط است. اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسب و کارآمد، قوانین و مقررات تسهیل‌کننده در برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف از جمله عوامل مهم دیگری است که باید بدان توجه خاص شود. منابع و امکانات بالقوه و بالفعلی که هر جامعه در برنامه‌های اقتصادی در نظر می‌گیرد عامل مهم و تعیین‌کننده دیگری در تحقق اهداف است. شواهد نشان می‌دهد که عمدتاً کشورهای در حال توسعه و جهان سوم از منابع و امکانات لازم برخوردار می‌باشند ولی قادر به بهره‌گیری مناسب از آنها در فرایند توسعه خود نمی‌باشند.

از جمله عوامل دیگری که در تحقق اهداف، اجرای موفق سیاست‌ها، قوانین و

مقررات، دستورالعمل‌ها و بهره‌گیری بهینه و به موقع منابع و امکانات نقش محوری و اساسی دارد، مؤسسات و سازمان‌های اجرایی می‌باشند. سازمان‌ها ابزارهای مناسب و بازوان اجرایی در تحقق اهداف بوده و باید به گونه‌ای طراحی و سازماندهی شوند که در خدمت اهداف قرار گیرند نه خود به عنوان عاملی بازدارنده و مانعی در راه اجرای سیاست‌ها باشند، یکی از ویژگی‌های بارز سازمان‌های اجرایی در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی، انعطاف‌پذیری و انطباق کامل ساختار آنها با اهداف و سیاست‌ها و در خدمت رشد و توسعه بودن است و برعکس در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته سازمان‌ها و مؤسسات عمدتاً غیرکارآمد و ایستا بوده و با تغییر اهداف و سیاست‌ها در هر یک از مراحل توسعه، بدون تغییرات لازم همچنان ثابت بوده و نقش بازدارنده را در فرایند

برنامه توسعه

می پردازیم و در طول مطالعه تلاش می شود که وضعیت چهار عامل مذکور در زمینه اهداف اشتغال پی گیری و تحلیل گردد. بنابراین ابتدا نگاهی به جایگاه اهداف اشتغال در بین اهداف کلی برنامه های اول و دوم توسعه خواهیم داشت چرا که این مسئله چگونگی برخورد سیاست گذاران و برنامه ریزان کشور را با مهم ترین عامل در فرایند توسعه (تعیین اهداف منطقی و دست نیافتنی) نشان می دهد.

جداول شماره ۱ و ۲ به ترتیب اهداف کلی برنامه اول و برنامه دوم توسعه را نشان می دهند: نگاهی به اطلاعات مندرج در جداول ۱

توسعه ایفا می کنند.

قابل ذکر است که عوامل فوق از هم تاثیر می پذیرند و بر هم تاثیر می گذارند، به طوری که می توان گفت لازم و ملزوم یکدیگرند و عدم ایفای نقش واقعی توسط هر کدام از آنها فرایند حرکت عوامل دیگر را نیز با مشکل کندی و حتی انحراف مواجه می نماید. لیکن جهت تحقق اهداف مورد نظر لازم است که تلاش شود در برنامه های توسعه هر چهار عامل به خوبی مهیا شده و در خدمت همدیگر قرار گیرند. بعد از ذکر موارد فوق در ادامه به ارائه اهداف و سیاست های اشتغال زایی در قالب برنامه ها

جدول ۱- اهداف کلی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

سال	عنوان
۱۳۶۸-۱۳۷۲	<p>۱- بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی کشور</p> <p>۲- بازسازی و نوسازی ظرفیت های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده از جنگ</p> <p>۳- گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت</p> <p>۴- ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهارت تورم</p> <p>۵- تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی</p> <p>۶- تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم</p> <p>۷- تعیین و اصلاح الگوی مصرف</p> <p>۸- اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضائی کشور در ابعاد مختلف</p> <p>۹- تلاش در جهت ایجاد امنیت قضائی و تحکیم مبانی نظری و عملی تساوی عموم در برابر قانون و اجرای عدالت و حمایت از آزادی های مشروع فردی و اجتماعی</p> <p>۱۰- سازماندهی قضائی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت ها، متناسب با مزیت های نسبی هر منطقه به استثنای مواردی که ملاحظات سیاسی و نظامی ایجاب می کند</p>

مأخذ: قانون برنامه اول توسعه.



اول تنها به مسئله اشتغال مولد اشاره شد و البته این موضوع همراه با چند هدف دیگر مطرح گردیده است که به نظر می‌رسد تحقق همزمان آنها با تناقض‌های بسیاری همراه است. قابل ذکر است که در برنامه دوم به همین اندازه نیز به مسئله اشتغال توجه نگردیده و در بین اهداف کلان برنامه هدفی

و ۲ (اهداف کلی دهگانه برنامه اول و اهداف شانزده گانه برنامه دوم) به خوبی نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیر مؤثر در تحقق هدف اشتغال و کاهش بیکاری یعنی انتخاب هدف دست‌یافتنی و متناسب با شرایط مورد توجه و عنایت لازم و کافی قرار نگرفته است. در بند ۴ اهداف برنامه

جدول ۲- اهداف کلان کهنی، برنامه دوم توسعه

سال	عنوان
۱۳۷۸-۱۳۷۴	<p>۱- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی</p> <p>۲- رشد فضایل براساس اخلاق اسلامی و ارتقای کثی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه</p> <p>۳- هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر، فن و تربیت بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی</p> <p>۴- افزایش بهره‌وری</p> <p>۵- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز</p> <p>۶- رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محدودیت بخش کشاورزی</p> <p>۷- اصلاح ساختار نظارتی، اجرایی و قضائی کشور در جهت تحقق اهداف برنامه</p> <p>۸- تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه</p> <p>۹- تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیرنفتی</p> <p>۱۰- حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور</p> <p>۱۱- تقویت بنیه دفاعی کشور در حد نیاز در چارچوب سیاست‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا</p> <p>۱۲- رعایت اصول عزت و حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی</p> <p>۱۳- تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کار</p> <p>۱۴- نظام دمی و به‌کارگیری تحقیقات به عنوان ابزاری برای حل مشکلات و توسعه کشور</p> <p>۱۵- ایجاد تعادل در بخش‌های اقتصادی (تعاونی، خصوصی و دولتی)</p> <p>۱۶- تقویت و ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرضه کردن منابع مالی و امکانات دولتی</p>

منبع: قانون برنامه دوم توسعه

برنامه‌ریزی

واقع سال شروع برنامه دوم توسعه بود به موجب برخی مشکلات اقتصادی و به‌ویژه کاهش شدید درآمدهای نفتی و مشکلاتی که در اجرای برنامه از این جانب ایجاد شد به سال ۱۳۷۴ تغییر یافت. بنابراین دوره برنامه دوم توسعه اصلاح گردید و به ۱۳۷۴-۱۳۷۸ تغییر یافت. نکته قابل توجه و مهم در تعیین اهداف کمی این است که روش و منطق روشن و شفافی برای تعیین آنها در برنامه‌ها وجود ندارد و به نظر می‌رسد تنها با توجه به محاسبات تولید ناخالص داخلی و رشد برنامه‌ریزی شده آن اعداد کمی مذکور نیز به دست آمده‌اند.

۲-۲- سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد بعد از تعیین اهداف در تحقق هر برنامه‌ای، اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسب و کارآمد جهت دستیابی به اهداف از جمله مهم‌ترین و محوری‌ترین عامل می‌باشد.

نگاهی کلی به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اشتغال‌زایی در برنامه اول و دوم نشان می‌دهد که حتی در صورت موفقیت کامل آنها این سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها منجر به شغل‌های سستی، کوچک و کم‌بازده می‌شوند، به طوری که در میان مدت و بلندمدت منجر به بیکاری بیشتر خواهد شد.

توصیه به استفاده از فن‌آوری کاربر، هدایت منابع از طریق تبصره‌های تکلیفی قوانین بودجه سنواتی نظیر تبصره ۳ و... به مشاغل کوچک، خانگی و... که عمدتاً

اشتغال هیچ جایگاهی ندارد. این در حالی است که براساس مبانی نظری و تجربه سایر کشورها در زمینه برنامه‌ریزی توسعه، برنامه‌ای که به دنبال اشتغال‌زایی باشد باید هدف اشتغال را به عنوان یک هدف مستقل در برنامه توسعه مطرح نماید و سایر اهداف برنامه نیز در راستای آن قرار گیرند. به عبارت دیگر برنامه‌ای که هدف اشتغال را پیگیری می‌کند باید معطوف به اشتغال‌زایی باشد. بعد از ذکر نقش و جایگاه اهداف اشتغال‌زایی در بین اهداف کلی برنامه به بررسی و تحلیل اهداف کیفی، کمی و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اشتغال‌زایی در قالب برنامه اول و دوم توسعه می‌پردازیم.

همان‌گونه که جدول شماره ۳ و ۴ نشان می‌دهد تنها در برنامه اول ۵ مورد هدف کیفی در زمینه اشتغال مطرح گردیده است که بیشتر به دنبال کاهش بیکاری فصلی و پنهان و تبدیل شغل‌های کاذب و غیرمولد به مولد بوده‌اند. عملکرد برنامه اول نشان می‌دهد که هم بیکاری فصلی و پنهان افزایش یافته است و هم سهم اشتغال بخش خدمات - که غیرمولد تلقی می‌شد - به جای کاهش سیر صعودی داشته است

۲-۱- اهداف کمی

براساس اهداف کمی اشتغال در قانون برنامه اول و دوم توسعه، پیش‌بینی شده بود که به ترتیب ۱۹۷۰ هزار و ۲۰۲۰ هزار شغل در مجموع ۳۹۹۰ هزار شغل طی ۱۰ سال ۱۳۶۸-۱۳۷۷ ایجاد شود. سال ۱۳۷۳ که در



بیمه، مالیات، سود، استهلاک و سرمایه‌گذاری را تأمین کند.^۱ این درحالی است که قاعدتاً وضعیت بخش صنعت به لحاظ ایجاد ارزش افزوده نسبت به بخش‌های کشاورزی و خدمات بهتر می‌باشد.

«در رابطه با اشتغال در ایران باید در حوزه‌های متعدد به دنبال راه حل بود، نباید مسائل را مکانیکی، مقطعی و روزمره مورد توجه قرار داد، این گونه نگرش‌ها ما را به این جهت می‌برد که گویا باید در کارهای مان از تکنولوژی کاربر استفاده کنیم تا اشتغال لازم ایجاد شود، در حالی که حداقل، این جهت‌گیری در زمینه فنی یک اشتباه محض می‌باشد، کسانی که فکر می‌کنند با این نوع تکنولوژی، شغل ایجاد می‌شود احتمالاً فقط به صحنه تولید توجه دارند و فعالیت‌های حول و حوش این صحنه را مورد توجه قرار نمی‌دهند. مطالعه همه جانبه در این رابطه نشان خواهد داد که عوامل متعددی در این زمینه ذی‌مدخل است و چنانچه این عوامل با هم تلفیق شوند تکنولوژی کاربرد، حسد خود عمل می‌کند. به این دلیل است که مشاهدات تاریخی نشان می‌دهد درصد بیکاری در هر کشوری که دارای تکنولوژی برتر است پایین‌تر است.»^۲

کم‌بازده می‌باشند، توسعه و حمایت از صنایع کوچک، صنایع تبدیلی، صنایع و مشاغل خانگی، احیای صنایع دستی با اولویت مناطق روستایی، تأمین مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد عشایر در مناطق روستایی و... در برنامه‌های اول و دوم، ضعف آموزشی و تخصصی نیروی کار، ناچیز بودن حجم سرمایه‌های اختصاص داده شده به ایجاد فرصت‌های شغلی و... از جمله عواملی می‌باشند که موجب گردیده‌اند حتی مشاغل ایجاد شده در طول برنامه‌ها سستی و کم‌بازده باشند و از مازاد ایجاد شده آنها نتوان مشاغل جدیدی را به وجود آورد. قابل توجه است که گزارش‌های مربوط به عملکرد تبصره‌های تکلیفی موجود در سازمان بودجه و بانک مرکزی حکایت از این واقعیت دارد که بسیاری از مشاغلی که طی برنامه‌ها از طریق تسهیلات اعتباری بانک‌ها ایجاد شده‌اند حتی قادر به برگرداندن وام بانکی خود نیز نمی‌باشند. به طوری که سازمان برنامه هر ساله از طریق قوانین بودجه مقداری از سرمایه بانک‌ها را تأمین می‌نماید. این درحالی است که براساس مبانی نظری و تجربه سایر کشورها یک شغل واقعی ضمن این که باید کلیه هزینه‌های خود را تأمین نماید، باید از مازاد آن نیز بتوان مشاغل جدید به وجود آورد. «به ازای هر شغل در بخش صنعت در ایران رقمی حدود ۷۰ هزار تومان در ماه به قیمت جاری، ارزش افزوده ایجاد شده است و بخش صنعت باید از این ۷۰ هزار تومان در ماه دستمزد، حق

۱. حسین عطیمی، «مدیریت نیروی انسانی، اشتغال و صنعت»، ماهنامه علمی - آموزشی مدیر، شماره ۷۳، ۱۳۷۶.

۲. همان.

جدول ۳- هدف‌های کمی و کیفی و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های نیروی انسانی و اشتغال در برنامه اول

سال	عنوان
۱۳۶۸-۱۳۷۲	<p>۱- کاهش بیکاری فصلی و بیکاری پنهان</p> <p>۲- ایجاد اشتغال مولد و کاهش تورم بی‌رویه کار در بخش‌های خدماتی از طریق اتخاذ سیاست‌های مناسب مالی، پولی و مالیاتی و تشریک مساعی با بخش خصوصی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی اشتغال‌زا در این بخش</p> <p>۳- تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز مناطق و نواحی محروم کشور از طریق اتخاذ سیاست‌های تشویقی و ایجاد انگیزه‌های مادی و معنوی لازم</p> <p>۴- کاربرد و بهره‌گیری از شیوه‌های متناسب تکنولوژی در تولید و صنایع پایه و استراتژیک</p> <p>۵- توسعه و حمایت از مشاغل مولد با تأکید بر خود اشتغالی و تولیدات خانگی</p>
	<p>۱- ایجاد سالانه حدود ۳۹۴ هزار شغل در طول برنامه</p> <p>۲- تقلیل نرخ بیکاری از ۱۵/۹ درصد به ۱۳/۴ درصد در انتهای برنامه</p> <p>۳- کاهش نسبت اشتغال فعالیت‌های خدماتی از ۴۷/۲ به ۴۵/۵ درصد در آخرین سال برنامه</p>
	<p>۱- استفاده متناسب از تکنولوژی و کارافزارها به گونه‌ای که هم متضمن ارتقای سطح اقتصادی و هم حداکثر بهره‌گیری از نیروی کار جامعه باشد</p> <p>۲- در جهت افزایش اشتغال، حمایت ویژه از صنایع و کارگاه‌های کوچک اشتغال‌زا</p> <p>۳- در راستای ایجاد اشتغال مولد از ورود آن گروه از کالاهای وارداتی که امکان ساخت آنها در داخل کشور امکان‌پذیر می‌باشد، بدون به‌وجود آوردن بحران ناشی از کمبود جلوگیری به عمل می‌آید</p> <p>۴- طرح‌ها و پروژه‌های اشتغال‌زا در بخش‌های آب و کشاورزی به خصوص عملیات مربوط به شبکه‌های آبیاری و زهکشی اراضی مورد توجه قرار گرفته و با اولویت بیشتر در برنامه منظور می‌گردد</p> <p>۵- اتخاذ سیاست‌های تشویقی و انگیزشی برای جذب متخصصان در نواحی محروم</p> <p>۶- اتخاذ سیاست‌های مالی، پولی و مالیاتی و تنظیم مقرراتی که در چارچوب هدف‌های توسعه کشور زمینه کاربرد منابع سرمایه‌ای بخش خصوصی را در امور تولیدی تسهیل کند.</p> <p>۷- هدایت سرمایه‌های حاصل از کار ایرانیان در خارج از کشور به امور تولیدی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی از سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان مقیم خارج در امور تولیدی کشور</p> <p>۸- حذف و جرح و تعدیل کلیه مقررات و ضوابطی که باعث انقباض بازار کار و عدم ایجاد اشتغال شده‌اند</p> <p>۹- گسترش همکاری‌های فنی و مبادله نیروی کار به‌ویژه با کشورهای دوست و همجوار</p> <p>۱۰- متناسب کردن مزد و حقوق و دستمزدها با بهره‌وری کار و تلاش برای معادل کردن درآمدها در بین بخش‌های مختلف اقتصادی کشور</p> <p>۱۱- انجام هر ساله طرح جاری جمعیت در مقاطع بین دو سرشماری عمومی کشور و آمارگیری نمونه‌ای سالانه نیروی انسانی و اشتغال به منظور اطلاع دقیق بر چند و چون تحولات جمعیت و بازار کار در کشور</p>



سال‌های اخیر و عملکرد واقعی سیاست‌های مالی و پولی و مالیاتی نیز نشان می‌دهد که هنوز انگیزه‌های لازم ملی، مذهبی و اقتصادی جهت جذب سرمایه‌ها، منابع و کارآفرینان کشور در بخش‌های تولیدی فراهم نیامده است.

عملکرد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور نشان می‌دهد که طی سال‌های اجرای برنامه‌های اول و دوم جهت حرکت سرمایه‌های درست بر عکس بند ۷ از جدول شماره ۳ عمل شده است و بیشتر سرمایه از کشور خارج شده است.

مجموعه قوانین و مقررات کشور و به‌ویژه قوانین مربوط به کار و فعالیت‌های تولیدی به نظر اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران اقتصادی کشور از جمله عوامل مهم و اساسی در کسادی فعالیت‌های تولیدی و اشتغالزایی می‌باشند و طی سال‌های مورد بررسی تحول قابل ملاحظه‌ای در آنها دیده نمی‌شود. به عنوان مثال قانون کار با انعطاف‌ناپذیری که در بازار کار ایجاد نموده و حمایت بیش از اندازه از نیروی کار مانع ورود سرمایه‌های بخش خصوصی در فعالیت‌های تولیدی می‌باشد. قابل توجه است که قانون کار فعلی کشور تنها به حفظ نیروی کار موجود کشور می‌اندیشد، لذا جهت تحقق این هدف حمایت بسیاری از نیروی کار نموده و این مسئله برای گسترش اشتغال و افزایش تقاضای نیروی کار به عنوان یک مانع مطرح است. در این زمینه شرکت‌ها و کارخانجات بخش خصوصی و دولتی مشکلات فراوانی دارند و این

شواهد عینی و عملکرد اقتصادی نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تنها به صورت آرمانی مطرح گردیده و در عمل به اجرا در نیامده یا رعایت نگردیده است. به عنوان نمونه بند ۱ از جدول شماره ۳، تکنولوژی و کارآفرینی که هم موجب حداکثر بازدهی شود و هم حداکثر بهره‌گیری از نیروی کار را فراهم آورد، عملاً وجود ندارد. زیرا اگر ما فن‌آوری نوین جهت حداکثر بازدهی استفاده کنیم دیگر نباید انتظار اشتغال‌زایی بالا داشته باشیم و اگر تکنولوژی دستی و سستی جهت اشتغال‌زایی بیشتر انتخاب کنیم دیگر نباید انتظار استفاده بهینه و حداکثر بازدهی از عوام تولید را داشته باشیم. بند ۲ جدول مذکور اگرچه بر اساس مبنای نظری و تجربه سایر کشورها در زمینه اشتغال‌زایی سیاست مناسبی است، اما در عمل هنوز مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است.

شواهد عینی اقتصاد و عملکرد بخش بازرگانی نشان می‌دهد که بند ۳ از جدول شماره ۳ نیز در عمل رعایت نشده است. تمرکز نیروی انسانی متخصص در تهران و شهرهای بزرگ و کمیبود شدید آن در سایر نقاط کشور به خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های تشویقی و انگیزشی مورد نظر بند ۵ برای جذب نیروی متخصص در نواحی محروم نیز فراهم نشده است. عدم استقبال بخش خصوصی برای فعالیت در بخش‌های تولیدی و فعالیت متورم آنها در بخش‌های واسطه‌ای و خدماتی، رکود و کسادی حاکم بر فعالیت‌های تولیدی طی

جدول ۴- اهداف کمی کلان و سیاست‌های کلی اشتغال و نیروی انسانی در قالب برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸

عنوان		
اهداف کمی کلان	بند ۷ از اهداف کمی برنامه دوم کلان	طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۸ تعداد شاغلان به ۱۶۲۳۲ هزار نفر خواهد رسید و در طول برنامه تعداد ۲۰۲۰ هزار نفر به جمعیت شاغل کشور افزوده خواهد شد.
سیاست‌های کلی		<p>۱- تقویت شبکه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات بازار کار و انجام پژوهش‌های مربوط به حرکات بازار، طبقه‌بندی و استاندارد مهارت و ایجاد ارتباط بین آموزش و نیازهای کمی و کیفی بازار کار</p> <p>۲- حمایت از ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق توجیه و آموزش در زمینه‌های مناسب شغلی</p> <p>۳- توسعه و حمایت از صنایع کوچک، صنایع تبدیلی، صنایع و مشاغل خانگی، خدماتی فنی و توسعه و احیای صنایع دستی با اولویت مناطق روستایی</p> <p>۴- تأمین مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد عشایر در مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت استقرار فعالیت‌های غیرکشاورزی در محیط روستایی به منظور افزایش درآمد سرانه روستاییان و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنها</p> <p>۵- کاهش نیروهای کار خارجی و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های اعزام نیروی کار به خارج از کشور</p> <p>۶- مطالعه و اعمال حمایت‌های قانونی لازم به منظور شناسایی و تقویت زمینه‌های شغلی که توجیه فنی-اقتصادی و یا اهمیت فرهنگی داشته باشد.</p> <p>۷- تنظیم قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌هایی که امکان جابه‌جایی نیروی انسانی دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و غیر دولتی را تسهیل و امکان‌پذیر نماید.</p>

مأخذ: قانون برنامه دوم توسعه.

و هنوز هم می‌باشد. این مشکل امکان هرگونه کار تحقیقی دقیق همراه با غنای تحلیلی و علمی بالا را از محققان کشور سلب کرده است.

همان طوری که بند ۱ از جدول شماره ۴ نیز نشان می‌دهد به موجب مشکل آمار و اطلاعات دقیق، این مسئله در برنامه دوم نیز مورد توجه قرار گرفت و حتی تبصره ۹۵ قانون برنامه دوم، وزارت کار و امور اجتماعی را مکلف به انجام این مهم نمود و اعتبارات لازم را نیز برای آن در نظر گرفت، اما متأسفانه هنوز هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

با وجود بند ۵ از جدول شماره ۴ هنوز حجم قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار خارجی در کشور وجود دارد که مانع اشتغال نیروی کار داخلی و بیکاری آنها شده است.

بنا بر آنچه گذشت می‌توان گفت که عامل مهم و محوری دوم در تحقق اهداف اشتغال‌زایی یعنی تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و کارآمد، از توجه و عنایت لازم و کارایی درخور تسوجه برخوردار نبوده است.

مهم‌ترین عامل دیگر در تحقق اهداف، میزان منابع و امکاناتی است که به کار گرفته می‌شود. مبانی نظری و تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که در زمینه اشتغال‌زایی ابتدا هزینه هر شغل در بخش‌های اقتصادی محاسبه می‌گردد سپس با توجه به هزینه اشتغال و میزان سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده در برنامه مشخص می‌شود که طی برنامه چند شغل ایجاد خواهد شد.

مشکلات در سال‌های اخیر موجب رکود و کساد اقتصادی شدیدی شده است که خود یک کار تحقیقی دقیق و گسترده می‌طلبد؛ جهت اصلاح و رفع این مشکل می‌توان از طریق واقعی کردن سطح دستمزدها و گسترش نظام تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری از حمایت قانون کار از نیروی کار موجود کاست.

با توجه به خصوصیات نیروی کار کشور و نیاز کشورهای دیگر و با توجه به مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با سایر کشورها و نحوه ظاهر شدن ایران در صحنه‌های بین‌المللی در این زمینه موفقیتی حاصل نگردید و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک نیز حاصل نگردد.

در راستای اجرای بند ۱۰، طرح هماهنگی مزد و حقوق در بین بخش‌های اقتصادی به اجرا درآمده است که به نظر می‌رسد خود عاملی منفی در جهت رشد اشتغال و به‌ویژه جذب نیروهای متخصص بوده است. زیرا می‌دانیم که بخش‌های مختلف اقتصادی از شرایط یکسان کاری برخوردار نبوده و در هر بخش باید متناسب با نوع فعالیت و سطح تخصص مورد نیاز و میزان کارایی و کارآفرینی افراد، مزد و حقوق برای آنها تعیین گردد.

در اجرای بند ۱۱ از جدول شماره ۳ تنها طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۲ این طرح اجرا شد و در سال‌های بعد مورد توجه قرار نگرفت، به طوری که عدم وجود آمار و اطلاعات دقیق و قابل اعتماد طی این دوره از اساسی‌ترین مشکلات بازار کار کشور بود

بنابراین مهم‌ترین عامل در زمینه اشتغالزایی در نظر گرفتن منابع و امکانات لازم است. عملکرد برنامه‌ها نشان می‌دهد که هنوز هم هزینه هر شغل در بخش‌های اقتصادی مشخص نیست و همان طوری که اشاره شد در برنامه‌ها نیز تنها از طریق پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی و محاسبات مربوط به آن رقمی نیز برای اشتغال به دست آمده است.

البته لازم به ذکر است که در برخی از سازمان‌های دولتی و مراکز تحقیقاتی در این زمینه مطالعاتی انجام شده است و حتی ارقامی نیز تحت عنوان هزینه‌بری یا سرمایه‌بری هر شغل در بخش‌های اقتصادی به دست آمده است، اما به صراحت می‌توان گفت که این ارقام با واقعیت بسیار فاصله دارند. زیرا روش‌های محاسبه اکثراً به موجب فقدان آمار و اطلاعات دقیق و مورد اعتماد با مشکل مواجه می‌باشند. برخی تنها از تقسیم میزان سرمایه‌گذاری بر سطح اشتغال، میزان هزینه‌بری هر شغل را به دست آورده‌اند. برخی دیگر نظیر سازمان برنامه و بودجه از طریق برآورد موجودی سرمایه در سطح کلان و بخش‌های اقتصادی و تقسیم آن بر سطح اشتغال این کار را انجام داده‌اند. روش اول یعنی استفاده از سرمایه‌گذاری با واقعیت فاصله زیادی دارد. روش دوم یعنی از طریق برآورد موجودی سرمایه، اگرچه روش صحیحی می‌باشد ولی به موجب مشکلات برآورد موجودی

سرمایه، با معضلات زیادی همراه است. به عنوان مثال سازمان برنامه و بودجه میزان هزینه‌بری هر شغل در بخش معدن و صنعت را به ترتیب ۳۰ میلیون و ۸ میلیون تومان برآورده کرده است. در حالی که بخش‌های مذکور این ارقام را حتی زیر یک میلیون می‌دانند. روش استفاده از میزان سرمایه‌گذاری انجام شده، این رقم را برای بخش صنعت طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ حدود ۳۰۰ هزار تومان نشان می‌دهد. به هر حال این مسئله همچنان به عنوان یک مشکل در بازار کار کشور مطرح است.

بعد از تعیین اهداف دست‌یافتنی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کارآمد، منابع و امکانات لازم و کافی و مهم‌ترین عامل مؤثر در تحقق اهداف، سازمان‌ها و مؤسسات متولی و ذی‌ربط می‌باشند. شواهد نشان می‌دهد که بازار کار ایران طی سال‌های اجرای برنامه‌ها بدون متولی بوده و می‌باشد، به طوری که هیچ سازمانی از کم و کیف این بازار و اطلاعات موجود در آن با خبر نیست. به نظر می‌رسد که وزارت کار و امور اجتماعی این نقش را به عهده داشته باشد، اما مسئولان این وزارتخانه کاملاً این مسئله را انکار می‌کنند، به طوری که این وزارتخانه حتی به اندازه بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه نسبت به بازار کار آشنایی و اطلاعات ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به تشکیلات وزارت کار، وظیفه این وزارتخانه باشد که همچون بانک مرکزی که متولی



همان گونه که اشاره شد پیش‌بینی گردید که طی سال‌های برنامه اول و دوم تعداد ۳۹۹۰ هزار شغل ایجاد شود. چون عملکرد سال‌های اجرای برنامه‌ها در دست نیست یا دقیق نمی‌باشد، لذا عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی را طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. البته قابل ذکر است که با توجه به رکود و کساد اقتصادی که طی سال‌های برنامه دوم شروع شد و طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ بسیار شدید گردید و به جهت کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۷۷ و احتمال وجود آن در سال ۱۳۷۸ به نظر می‌رسد که تعداد شغل‌های ایجاد شده طی این سال‌ها نه این که متناسب با رقم پیش‌بینی ۴۰۰۰ شغل نخواهد بود بلکه بسیار کمتر از شغل‌های ایجاد شده طی سال‌های دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ خواهد بود.

جدول شماره ۵ عملکرد اقتصاد را در زمینه اشتغال‌زایی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ براساس آمار حاصل از سرشماری نفوس و مسکن و طرح جاری جمعیت مرکز آمار ایران نشان می‌دهد.

همچنین جدول شماره ۶ نیز توزیع جمعیت شاغل و شغل‌های ایجاد شده برحسب بخش‌های اقتصادی طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

همان طوری که آمار مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد تعداد شاغلان کشور از ۱۱۰۰۲ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۴۵۷۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است که حکایت از ایجاد ۳۵۷۰ هزار شغل طی این دوره دارد. به عبارت دیگر طی این

بازار پول و سرمایه می‌باشد و این بازارها را مدیریت، هدایت و نظارت می‌کند، بازار کار کشور را مدیریت، هدایت و نظارت نماید و با تشکیل بانک اطلاعاتی بازار کار و جمع‌آوری و پردازش آمار و اطلاعات این بازار هرچه بیشتر در آن شفافیت و رقابت ایجاد نماید و هم زمان و همراه با فرایند رشد و توسعه و شرایط اقتصادی-اجتماعی کشور قوانین و مقررات این بازار را مورد بازنگری قرار داده و نواقص آنها را رفع نماید. همچنین این وزارتخانه می‌تواند با کمک مرکز آمار و حتی از طریق آمارگیری مستقل، آمار و اطلاعات موردنیاز جهت انجام تحقیقات علمی درجهت رفع مشکلات بازار کار و توسعه آن تولید نماید.

۳- ارزیابی عملکرد اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی در قالب برنامه اول و دوم توسعه

نکته قابل ذکر در زمینه ارزیابی عملکرد برنامه‌ها در زمینه اشتغال‌زایی مشکل آمار و اطلاعات می‌باشد. همان طوری که اشاره شد چون بین آمارهای مرکز آمار، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه در زمینه بازار کار و سطح اشتغال، هماهنگی وجود ندارد و بین آنها اختلاف شدیدی وجود دارد، در ارزیابی عملکرد برنامه‌ها تنها از آمار مرکز آمار نتایج سرشماری نفوس و مسکن و طرح جاری جمعیت استفاده می‌گردد. قابل توجه است که در این زمینه هیچ گونه آمار و اطلاعاتی در وزارت کار موجود نمی‌باشد.

(ارزاق، مزارع)

جدول ۵- ارزیابی اهداف و عملکرد سیاست‌های اعتباری طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۸۵

سال	۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۵		نرخ رشد متوسط
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	
کل جمعیت شامل	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۳۹۳۹	۱۰۰	۱۴۳۲۰	۱۰۰	۱۴۵۷۲	۱۰۰	۳/۸
بخش کشاورزی	۲۱۹۱	۲۹/۰۰	۲۳۰۵	۲۴/۳۷	۲۳۱۷	۲۴/۵۱	۲۴/۵۱	۲۴/۵۱	۲۴/۳۴	۲۳/۱	۰/۹۹
بخش صنعت	۲۷۸۱	۲۵/۲۷	۲۶۱۵	۲۷/۴۱	۲۳۳۳	۲۱/۱۶	۲۱/۱۶	۲۱/۱۶	۲۳۷۳	۲۰/۷	۹/۰۰
بخش خدمات	۵۰۳۰	۴۵/۷	۶۷۷۶	۴۷/۹	۶۱۷۹	۴۲/۳۳	۴۲/۳۳	۴۲/۳۳	۶۷۴۲	۴۶/۳	۴/۸

ساخته مرکز آمار ایران، منابع حاصل از سرشماری نفوس و مسکن سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و نتایج سرشماری جاری جمعیت سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲ و -نرخ رشد متوسط سالانه، نگارنده، محاسبه شده است.

جدول ۶- توزیع جمعیت شامل و شمل های ایجاد شده بر حسب بخش های اقتصادی طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ (ارقام: هزار نفر)

سال	۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۵		۱۳۸۰		۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵		۱۴۰۰	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۴۵۷۲	۱۰۰	۱۶۹۵۰	۱۰۰	۱۹۰۹۵	۱۰۰	۲۰۹۵۰	۱۰۰	۲۳۰۰۰	۱۰۰	۲۵۰۰۰	۱۰۰
خدمات	۵۰۳۰	۴۵.۷	۶۲۷۶	۴۷.۹	۷۷۲۲	۵۴.۳	۹۲۴۶	۴۶.۳	۱۱۲۴۶	۵۳.۵	۱۳۴۴۶	۶۴.۳	۱۶۲۷۰	۷۳.۰	۱۹۰۰۰	۸۶.۳
صنعت	۷۷۸۱	۷۰.۲	۹۲۱۶	۷۷.۶	۱۰۲۷۰	۷۰.۷	۱۲۰۷۰	۷۲.۷	۱۴۰۷۰	۷۰.۷	۱۶۰۷۰	۷۶.۳	۱۸۰۷۰	۷۸.۰	۲۰۰۰۰	۹۰.۹
کشاورزی	۳۱۹۱	۲۹	۳۲۰۵	۲۴.۵	۳۳۰۰	۲۳	۳۴۰۰	۲۳	۳۴۰۰	۲۳	۳۴۰۰	۲۳	۳۴۰۰	۲۳	۳۴۰۰	۲۳
کلی	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۴۵۷۲	۱۰۰	۱۶۹۵۰	۱۰۰	۱۹۰۹۵	۱۰۰	۲۰۹۵۰	۱۰۰	۲۳۰۰۰	۱۰۰	۲۵۰۰۰	۱۰۰

ملاحظه: مرکز آمار ایران، سالنامه سرشماری های نفوس و مسکن سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵.
 - ستون‌ها مربوط به میزان اشتغال ایجاد شده توسط نگارنده مطابقت کرده است.

برنامه‌های اشتغال

رسیده، یعنی تنها ۲۵۲ هزار شغل ایجاد شده است. به عبارت دیگر طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۵ سالانه به‌طور متوسط تنها ۸۴ هزار شغل ایجاد شده است که نسبت به رقم پیش‌بینی برنامه (۴۰۴ هزار شغل) بسیار ناچیز و نگران‌کننده می‌باشد. این عملکرد نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۵ تنها حدود ۲۱ درصد اهداف پیش‌بینی شده برای هر سال تحقق یافته است.

وجود ظرفیت‌های خالی در اقتصاد، به کارگیری حجم عظیمی از سرمایه طی سال‌های اجرای برنامه اول، وجود رشد متوسط اقتصادی در حدود ۷ درصد، سستی، کوچک و کم بازده بودن ماهیت مشاغل ایجاد شده که خود موجب هزینه پایین

دوره سالانه به‌طور متوسط ۳۲۴/۵ هزار شغل ایجاد شده است. همان طوری که قبلاً اشاره شد رقم ۳۵۷۰ هزار شغل تعداد ۴۲۰ هزار شغل کمتر از ۳۹۹۰ هزار شغل پیش‌بینی شده در طول برنامه‌هاست. اگر دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ را به دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۲ و ۱۳۷۲-۱۳۷۵ تقسیم کنیم متوسط شغل‌هایی که سالانه طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۲ ایجاد شده ۴۷۴ هزار شغل و در مجموع ۳۳۱۸ هزار شغل بوده است که جلوتر از اهداف پیش‌بینی شده برنامه در هر سال ۳۹۴ هزار شغل می‌باشد.

همان طوری که جدول نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۵ تعداد شاغلان از ۱۴۳۲۰ هزار نفر به ۱۴۵۷۲ هزار نفر

جدول ۷- توزیع جمعیت شاغل به تفکیک جنس و مناطق شهری و روستایی

(ارقام جمعیت به هزار نفر) طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال	مقادیر						عنوان
	۱۳۶۵-۱۳۷۰		۱۳۷۰-۱۳۷۵		۱۳۷۵-۱۳۸۰		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مرد	۱۰۰۲۶	۹۱/۱۳	۱۱۷۶۵	۹۰/۵۹	۱۲۸۰۶	۸۷/۹	۱/۷۷
زن	۹۷۵	۸/۸۶	۱۲۳۱	۹/۴	۱۷۶۶	۱۲/۱	۸/۷
کل	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۴۵۷۲	۱۰۰	۲/۲۵
شهری	۵۹۵۳	۵۴/۱۱	۷۶۰۹	۵۸/۱	۸۷۹۹	۶۰/۴	۳/۱۲
روستایی	۵۰۴۹	۴۵/۹	۵۴۸۸	۴۱/۹	۵۷۷۳	۳۹/۶	۱/۰۴

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارنده.



جدول ۸- توزیع جمعیت شاغل به حسب گروه‌های مختلف سنی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال	مقادیر				نرخ رشد متوسط (درصد)		عنوان
	۱۳۶۵		۱۳۷۰		درصد	تعداد	
۱۴-۱۰	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	۱۳۷۰-۱۳۷۵
۱۹-۱۵	۲۸۱	۲/۵۵	۲۶۶	۱/۷۳	۲۶۴/۵	۱/۸	۱۳۷۰-۱۳۷۵
۲۴-۲۰	۱۰۹۴	۹/۹۴	۱۱۷۱	۸/۹۴	۱۱۸۱/۶	۸/۱	۱۳۷۰-۱۳۷۵
۲۴-۲۰	۱۶۴۳	۱۴/۹۳	۱۹۹۲	۱۵/۲۱	۱۸۸۰/۷	۱۲/۹	۱۳۷۵-۱۳۷۶
۳۰-۲۵	۱۷۱۶	۱۵/۶	۱۹۴۴	۱۴/۸۴	۲۲۶۸/۵	۱۵/۶	۱۳۷۵-۱۳۷۶
کمتر از ۳۰ ساله	۴۷۳۴	۴۳/۰۳	۵۳۳۳	۴۰/۷۲	۵۵۹۵/۳	۲۸/۴	۱۳۷۵-۱۳۷۶
۳۰ ساله و بیشتر	۶۲۶۸	۵۶/۹۷	۷۷۶۴	۵۹/۲۸	۸۹۷۶	۶۱/۶	۱۳۷۵-۱۳۷۶
کل	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۴۵۷۲	۱۰۰	۱۳۷۵-۱۳۷۶

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارنده.

۱۳۷۵، کاهش درآمدهای نفتی و غیرنفتی، رکود و کساد در بخش‌های تولیدی و کاهش حجم سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه رشد اقتصادی، کاهش حجم اشتغال در بخش خدمات، بهبود جزئی در بهره‌وری نیروی کار و... از جمله عوامل عدم موفقیت اهداف اشتغال‌زایی طی سال‌های اولیه برنامه دوم می‌باشند. همان‌طوری که اشاره شد با توجه به ادامه رکود و کساد در سال ۱۳۷۶ و کاهش درآمدهای نفتی در سال

ایجاد هر شغل می‌شود، تغییر در تعاریف و شاخص‌های مرکز آمار ایران^۱، به‌کارگیری حجم عظیمی از نیروی کار در بخش دولتی بدون توجیه اقتصادی و تنها به لحاظ ملاحظات اجتماعی و سیاسی، به‌کارگیری نیروی کار مازاد بر نیاز در بخش‌های تولیدی اقتصاد، کاهش بهره‌وری نیروی کار و... از جمله مهم‌ترین عوامل موفقیت برنامه اول در زمینه تحقق اهداف اشتغال‌زایی می‌باشد.

به‌کارگیری مجدد سیاست‌های تثبیت اقتصادی در سال ۱۳۷۳ به موجب بحران افزایش قیمت ارز و نرخ تورم، به‌کارگیری سیاست‌های انقباضی پولی و مالی توسط دولت و بانک مرکزی، خشکسالی در سال

۱. در سرشماری سال ۱۳۶۵ برعکس سال‌های قبل بیکاران فصلی که خود در تعیین رقم شاغلان و بیکاران کشور بسیار مؤثر و گمراه‌کننده بوده است، نیز جزء شاغلان محسوب شده‌اند و همچنین سؤالات مربوط به اشتغال به جای افراد ۱۰ ساله و بیشتر از افراد ۶ ساله و بیشتر پرسیده شد.

پروژه اشتغال

و موفق، پیگیری هدف حداکثر تولید در بخش‌های تولیدی و حداکثر اشتغال در بخش خدمات باشد.

قابل ذکر است که بخش دولتی نیز به عنوان یکی از عوامل عمده تقاضای نیروی کار طی سال‌های آتی نه‌این که توان به کارگیری نیروی کار بیشتر را ندارد بلکه در راستای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، آزادسازی و خصوصی‌سازی و تعدیل نیروی انسانی مقداری از نیروی کار موجود را آزاد خواهد کرد.

در ادامه برای روشن‌تر شدن هرچه بهتر وضعیت اشتغال و بیکاری و عوامل موثر بر عرضه و تقاضای نیروی کار در ایران به تحلیل آماری تحولات بازار کار در سطح کلان و بخش‌های اقتصادی طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ پرداخته می‌شود. جداول شماره ۷ الی ۱۳ تحولات اشتغال و بیکاری و به‌طور کلی بازار کار را براساس آمار مرکز آمار ایران برحسب شهری و روستایی، بخش‌های اقتصادی، سطح سواد، بخش‌های عمومی و خصوصی، گروه‌های سنی برای دوره مورد بررسی نشان می‌دهند.

براساس اطلاعات جدول شماره ۷ درصد شاغلان مرد و زن به ترتیب از ۹۱/۱۳ و ۸۷/۸۶ درصد سال ۱۳۶۵ به ۸۷/۹ و ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. باتوجه به تغییرات فرهنگی، نگرش‌های جامعه نسبت به نقش زنان در انجام فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، افزایش

۱۳۷۷ و احتمال ادامه آن در سال ۱۳۷۸ به نظر می‌رسد که طی سال‌های مذکور نیز برنامه موفق به تحقق اهداف خود در زمینه اشتغال‌زایی نگردد، حتی به نظر می‌رسد که طی این سال‌ها به اندازه سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ نیز شغل ایجاد نشود.

نکته قابل توجه دیگر در جدول شماره ۵، آمار و تحولات اشتغال در بخش‌های اقتصادی است. براساس مبانی نظری و تجربه سایر کشورها با ایجاد رشد و توسعه و استفاده از فن‌آوری‌های جدید و ماشینی شدن شیوه‌های تولید سهم بخش کشاورزی از اشتغال کاهش می‌یابد و حتی به زیر ۱۰ درصد می‌رسد (این سهم برای برخی کشورها ۲ درصد می‌باشد)، سهم بخش صنعت نیز ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد و در حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد ثابت می‌ماند و سهم بخش خدمات افزایش یافته و حدود ۷۰ درصد اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد. این روند- علی‌رغم به کارگیری سیاست‌هایی جهت مهار اشتغال در بخش خدمات و هدایت آن به سوی بخش‌های کشاورزی و صنعت- در ایران نیز مشاهده می‌شود. بنابراین در آینده با توجه به شرایط اقتصاد داخلی و بین‌المللی که استفاده از فن‌آوری‌های نوین را ایجاب می‌نماید، نباید از بخش‌های کشاورزی و صنعتی انتظار اشتغال‌زایی زیادی داشته باشیم. باتوجه به مبانی نظری و تجربه سایر کشورها به نظر می‌رسد که استراتژی غالب

سطح تحصیلات زنان، افزایش سن ازدواج، کاهش بعد خانوار و هزینه‌های بالای زندگی به نظر می‌رسد در سال‌های آتی نیز این تغییر روند ادامه داشته باشد و میزان مشارکت زنان در بازار کار از آنچه که فعلاً می‌باشد بسیار بیشتر شود. این مسئله ایجاب می‌نماید که در برنامه‌ریزی‌های آتی اشتغال‌زایی به ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با توانایی‌های زنان توجه بیشتری شود.

جدول مذکور نشان می‌دهد که نسبت شاغلان شهری و روستایی نیز طی دوره بررسی به ترتیب از ۵۴/۱۱ و ۴۵/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۰/۴ و ۳۹/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این تغییر ترکیب شاغلان بین شهر و روستا ضمن این که بیانگر ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در شهرهاست، خود از عوامل اساسی مهاجرت نیز می‌باشد، مهاجرت روستاییان علاوه بر مسائل مربوط به اشتغال موجب بسیاری مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز شده است. تأمین مسکن، غذا، امکانات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و... از عواقب مهاجرت روستاییان به شهر می‌باشد. لیکن به نظر می‌رسد که در برنامه‌های آتی مسئولان باید بیشترین توان خود را در ایجاد فرصت‌های شغلی در روستا به کارگیرند تا ضمن کاهش بیکاری از مهاجرت نیز جلوگیری شود و بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جامعه نیز کاهش یابد.

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ تعداد شاغلان زیر ۳۰ سال روند کاهشی و تعداد شاغلان بالای ۳۰ سال افزایشی بوده است؛ به طوری که سهم شاغلان کمتر از ۳۰ سال و بیشتر از ۳۰ سال به ترتیب از ۲۳ و ۵۷ درصد سال ۱۳۶۵ به ۴۰/۷ و ۵۹/۳ درصد در سال ۱۳۷۰ و ۳۸/۴ و ۶۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. کاهش سهم شاغلان کمتر از ۳۰ سال شاید به خاطر افزایش پوشش تحصیلی و افزایش حجم پذیرش دانشجو توسط دانشگاه‌های کشور اعم از دولتی و آزاد باشد.

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که سهم شاغلان باسواد و بی‌سواد به ترتیب از ۴۰/۱۴ و ۵۹/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۱/۴ و ۷۸/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این روند نشان می‌دهد که شاغلان کشور در آینده از سطح سواد بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه توقع بالاتری هم خواهند داشت و لذا هزینه ایجاد فرصت‌های شغلی آنها افزایش خواهد یافت.

جدول شماره ۱۰ توزیع جمعیت شاغل کشور را به تفکیک بخش‌های عمومی و خصوصی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد. نکته قابل توجه در این جدول روند اشتغال در بخش عمومی است، با وجود روند شدید افزایشی شاغلان بخش

جدول ۹- توزیع جمعیت شامل به تفکیک سطح سواد طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال	مقادیر						نرخ رشد متوسط (درصد)
	۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۵		
عنوان	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بی‌سواد	۲۴۱۶	۴۰/۱۲	۴۹۱۳	۳۷/۵۱	۳۱۲۳/۵	۲۱/۴	۲/۱۶
ابتدایی	۲۵۵۲	۲۳/۳	۴۱۷۹	۳۱/۹۱	۳۷۳۳	۲۵/۶	۱۰/۳۷
راهنمایی	۱۰۰۵	۹/۱۳	۱۲۳۸	۱۰/۸	۲۶۵۷/۸	۱۸/۲	۷/۴۳
متوسطه	۱۸۲۶	۱۹/۶	۱۴۵۲	۱۱/۰۹	۲۶۲۸/۲	۱۸	-۴/۴۸
عالی	۴۹۷	۴/۵۲	۵۰۷	۳/۸۷	۱۴۰۲/۶	۹/۶	۰/۴
متفرقه	۷۰۲	۶/۳۸	۶۱۰	۴/۶۶	۹۶۸/۷	۶/۶	-۲/۷۷
باسواد	۶۵۸۱	۵۹/۸۲	۸۱۸۶	۶۲/۵۱	۱۱۴۴۸	۷۸/۶	۲/۴۶
کل	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۴۵۷۲	۱۰۰	۳/۸۰

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارنده.

آزاد خواهد کرد که این مسئله مشکل بیکاری را تشدید خواهد کرد. جداول شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۳ توزیع جمعیت بیکار کشور را به تفکیک جنس، مناطق شهری و روستایی سطح سواد و گروه‌های سنی نشان می‌دهند. همان‌گونه که آمار و اطلاعات مندرج در جدول ۱۲ نشان می‌دهد درصد بیکاران باسواد طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ افزایشی و درصد بیکاران بی‌سواد کاهش می‌باشد. به طوری که درصد بیکاران باسواد و بی‌سواد به ترتیب از ۶۷/۱ و ۳۲/۹ درصد سال ۱۳۶۵ به ۸۲/۳ و ۱۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۵

عمومی طی دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵، به طوری که سهم این بخش در سال ۱۳۶۵ به حدود ۴۴ درصد رسید ولی طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به موجب پیگیری سیاست‌های تعدیل اقتصادی، آزادسازی، خصوصی‌سازی و تعدیل نیروی انسانی سهم بخش عمومی از اشتغال تقریباً ثابت و حتی روند کاهشی نیز داشته است. با توجه به شرایط اقتصادی کشور، وضعیت مالی دولت، کاهش درآمدهای نفتی، عدم کارایی اقتصادی بخش به نظر می‌رسد که بخش عمومی و دولت در آینده نیز نه این که نیروی کار جدیدی را به کار نخواهد گرفت حتی مقدار نیروی کار نیز

جدول ۱۰- توزیع جمعیت شاغل به تفکیک بخش‌های عمومی و خصوصی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال	مقادیر				نرخ رشد متوسط (درصد)		عنوان
	۱۳۶۵		۱۳۷۰		تعداد	درصد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۷	۱۰۰	۱۳۵۷۲	۱۰۰	کل اشتغال
	۷۰۸۹	۶۴/۴۳	۸۵۳۴	۶۵/۱۶	۹۷۹۴/۳	۶۷/۲	بخش خصوصی
	۳۴۵۳	۳۱/۳۹	۴۳۴۶	۳۳/۱۸	۴۲۵۸	۲۹/۲	بخش عمومی
	۳۵۹	۴/۱۷	۲۱۷	۱/۶۶	۵۱۹/۴	۳/۶	اظهار نشده
	۷۸۱۲	۱۰۰	۹۸۹۲	۱۰۰	۱۱۲۱۴	۱۰۰	اشتغال غیر کشاورزی
	۴۰۰۰	۵۱/۲	۵۳۹۲	۵۲/۵۱	۷۲۲۲	۶۴/۴	بخش خصوصی غیر کشاورزی
	۳۴۱۳	۴۳/۴۹	۴۲۸۵	۴۳/۳۲	۳۹۹۲	۳۵/۶	بخش عمومی غیر کشاورزی
	۳۹۸	۵/۰۹	۲۱۴	۲/۱۶	-	-	اظهار نشده

و هم مدرک تحصیلی و تخصص آنها عمدتاً مورد نیاز اقتصاد نیست و هم هزینه ایجاد هر شغل برای آنها بسیار بالاست. لیکن ضرورت ایجاد می‌نماید که همچون طرح ساماندهی اقتصاد در برنامه‌های آتی رشد کشور به مسئله اشتغال‌زایی و خصوصیات متقاضیان کار توجه خاص شود.

۲- جمع‌بندی

با عنایت به آنچه گذشت می‌توان گفت

رسیده است. نکته مهم و قابل توجه این که در بین بیکاران باسواد طی سال‌های اخیر سهم بیکاران باسواد دارای مدرک عالی به شدت افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌شود با توجه به فارغ‌التحصیل شدن حجم عظیمی از دانشگاهی‌های کشور در سال‌های آتی، این سهم با شدت بیشتری افزایش یابد. بنابراین بازار کار کشور در سال‌های آتی با ترکیبی از نیروی کار متفاوت با گذشته رو به رو خواهد بود که هم دارای مدرک تحصیلی و سطح توقع بالا می‌باشند

برق‌آزمایش

جدول ۱۱- توزیع جمعیت بیکار به تفکیک جنس و مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال / عنوان	مقادیر						نرخ رشد متوسط (درصد)	
	۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۵		درصد	تعداد
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
مرد	۸۱/۶۹	۱۲۴۲	۷۵/۷۳	۱۱۸۴	۸۱/۳	۱۱۸۴	-۰/۹۳	۱۳۷۰-۱۳۷۵
زن	۱۸/۳۱	۳۹۸	۲۴/۳۷	۲۷۱/۶	۱۸/۷	۲۷۱/۶	-۶/۳۵	۱۳۷۰-۱۳۷۵
کل	۱۰۰	۱۶۴۰	۱۰۰	۱۴۵۵	۱۰۰	۱۴۵۵	-۲/۲۶	۱۳۷۰-۱۳۷۵
شهری	۵۸/۹۹	۸۸۰	۵۳/۶۶	۸۵۵	۵۸/۷	۸۵۵	-۰/۵۷	۱۳۷۰-۱۳۷۵
روستایی	۴۰/۶۸	۷۶۴	۴۵/۴۹	۶۰۰	۴۱/۳	۶۰۰	-۴/۳	۱۳۷۰-۱۳۷۵

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارنده.

جدول ۱۲- توزیع جمعیت بیکار به تفکیک سطح سواد طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال / عنوان	مقادیر						نرخ رشد متوسط (درصد)	
	۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۵		درصد	تعداد
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
بی‌سواد	۳۲/۸۸	۲۸۳	۱۷/۲۵	۲۵۷/۲	۱۷/۷	۲۵۷/۲	-۱/۸۱	۱۳۷۰-۱۳۷۵
ابتدایی	۲۱/۶۱	۴۸۱	۲۹/۳۱	۳۵۲/۵	۲۴/۳	۳۵۲/۵	-۵/۳۴	۱۳۷۰-۱۳۷۵
راهنمایی	۱۴/۱۳	۳۷۶	۲۲/۹۳	۲۶۲	۲۴/۹	۲۶۲	-۰/۷۴	۱۳۷۰-۱۳۷۵
متوسطه	۲۵/۵۶	۴۴۴	۲۷/۰۹	۳۶۳/۲	۲۴/۹۵	۳۶۳/۲	-۲/۶۴	۱۳۷۰-۱۳۷۵
عالی	۱/۸۱	۲۲	۲/۵۵	۵۸/۱	۳/۹۹	۵۸/۱	۷/۷	۱۳۷۰-۱۳۷۵
متفرقه	۳/۹	۱۴	۰/۸۶	۶۲/۳	۴/۲۸	۶۲/۳	-۲۷/۸۳	۱۳۷۰-۱۳۷۵
باسواد	۶۷/۰۷	۱۳۵۷	۸۲/۷۵	۱۱۹۸	۸۲/۳	۱۱۹۸	-۲/۳۴	۱۳۷۰-۱۳۷۵
کل	۱۰۰	۱۶۴۰	۱۰۰	۱۴۵۵/۶	۱۰۰	۱۴۵۵/۶	-۲/۲۵	۱۳۷۰-۱۳۷۵

جدول ۱۳- توزیع جمعیت بیکار بر حسب گروه‌های سنی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال	مقادیر						عنوان
	۱۳۷۵		۱۳۷۰		۱۳۶۵		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۲-۱۰	۱۹۶	۱۰/۷۸	۱۴۲	۸/۷۸	۱۴۲	۱۰/۷۸	
۱۹-۱۵	۲۸۵	۲۶/۶۶	۲۴۲	۲۷/۰۷	۲۶۶	۲۶/۶۶	
۲۴-۲۰	۲۲۵	۲۳/۳۶	۲۲۸	۲۶/۷۱	۲۳۸	۲۳/۳۶	
۲۹-۲۵	۲۱۷	۱۱/۹۳	۱۸۳	۱۱/۱۶	۱۸۳	۱۱/۹۳	
کمتر از ۳۰	۱۳۳۳	۷۲/۸۳	۱۲۰۹	۷۲/۷۲	۱۲۰۹	۷۲/۸۳	
۳۰ ساله و بیشتر	۴۹۶	۲۷/۲۷	۴۳۱	۲۶/۲۸	۴۳۱	۲۷/۲۷	
کل	۱۸۱۹	۱۰۰	۱۶۴۰	۱۰۰	۱۶۴۰	۱۰۰	

دوم تنها حدود ۲۰ درصد اهداف اشتغال‌زایی تحقق یافته و با توجه به رکود داخلی و جهانی و مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور از جمله کاهش قیمت نفت، به نظر می‌رسد در سال‌هایی که آمار موجود نیست و سال‌های آینده نیز حتی موفق به دستیابی به همان ۲۰ درصد هم نشود. این مسائل تحت شرایطی است که نتیجه نرخ رشد حدود ۴ درصدی جمعیت طی دهه ۱۳۵۰ طی سال‌های اخیر و آتی به عنوان نیروی کار وارد بازار کار می‌شود. مضافاً این که نیروی کار جدید از نظر سطح سواد مدرک تحصیلی (آن هم مدرک دانشگاهی که عمدتاً با نیازهای جامعه ارتباط چندانی ندارد) و سطح توقع، میزان هزینه برای ایجاد هر فرصت شغلی و... با نیروی کار سال‌های

برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از استراتژی روشن و شفاف در زمینه اشتغال‌زایی برخوردار نبوده‌اند. تعیین اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات، منابع و امکانات و سازمان‌ها و مؤسسات اجرایی کارآمد که چارچوب اصلی و بدنه استراتژی اشتغال‌زایی می‌باشند مورد توجه قرار نگرفته‌اند. برنامه اول براساس آمار موجود، ظاهراً موفق به دستیابی به اهداف خود گردیده است. انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی زیاد، رشد اقتصادی بالا به موجب ظرفیت‌های خالی در اقتصاد، تغییر در تعاریف مرکز آمار ایران، کاهش بهره‌وری و... از جمله عوامل مهم در این زمینه بوده‌اند. طی سال‌های سپری شده از برنامه

قبل کاملاً متفاوت است. عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار نشان می‌دهد که علی‌رغم موفقیت در کنترل رشد جمعیت طی ۱۰ سال گذشته، این مسئله تأثیری در عرضه نیروی کار طی سال‌های آتی نخواهد داشت و در این سال‌ها خیل عظیمی از نیروی کار وارد بازار کار خواهد شد که اگر چاره اندیشی اصولی برای آن نشود مشکلات جبران ناپذیری را به بار خواهد آورد.

با توجه به تورم نیروی کار در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات که در سال‌های اخیر به عنوان یک معضل اقتصادی-اجتماعی مطرح است و یکی از عوامل مهم عدم کارایی در این بخش‌هاست به نظر می‌رسد طی سال‌های آتی این بخش‌ها قدرت جذب نیروی کار زیادی نداشته باشند. دولت به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تقاضای نیروی کار که طی سالیان دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ سهم قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار جامعه را جذب می‌کرده است با تعدیل نیروی انسانی بر وخامت مشکل می‌افزاید. نرخ رشد سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی، صادرات غیرنفتی و... که عوامل مهم و مؤثر در تقاضای نیروی کار بوده‌اند روند نزولی به خود گرفته و حتی در حد صفر پیش‌بینی می‌شوند. این درحالی است که براساس نتایج حاصل از مطالعات انجام شده در بازار کار ایران طی سال‌های آینده اقتصاد به طور متوسط سالانه با چیزی حدود ۸۰۰ هزار

نیروی کار جدید مواجه خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت اقتصاد کشور در زمینه اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با عرضه نیروی کار با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌باشد، زیرا اگر در برنامه سوم همانند طرح ساماندهی اقتصاد، اشتغال و اشتغال‌زایی را هدف قرار دهیم با توجه به شرایط فعلی حاکم بر اقتصاد و فضای بین‌المللی قطعاً تولید کشور با مشکلات پیش از حال حاضر مواجه خواهد شد و این مسئله خود منجر به بیکاری بیشتر می‌شود و اگر تولید را هدف قرار دهیم و حداقل در کوتاه مدت به اشتغال توجهی نداشته باشیم با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از بیکاری گسترده که همراه با هزینه‌های جبران ناپذیری است مواجه خواهیم شد. همان طوری که در متن گزارش اشاره شد تنها راه رهایی از این بن‌بست پی‌گیری هدف تولید در بخش‌های تولیدی نظیر کشاورزی و صنعت با استفاده از فن‌وری‌های نوین مدرن و انتقال بار اشتغال به دوش بخش خدمات باشد. قابل ذکر است که بسیاری از فعالیت‌هایی که در حال حاضر در بخش خدمات انجام می‌شود و از آنها به عنوان شغل کاذب نام برده می‌شود واقعاً کاذب نمی‌باشند بلکه خدمت ارائه می‌کنند و لازم است در تعریف این مشاغل بازنگری گردد و محدودیت‌های ایجاد شده بر سر راه گسترش بخش خدمات برداشته شود.



سال ۱۳۷۵.

منابع و مأخذ

- 1- F.Stewart and P.P. Stroten, "Conflicts Between Output and Employment Objectives", in R.Robinson and P.Johnston (eds.), **Prospects for Employment Opportunities in the 1970**, S,HMSO, 1972.
- 2- C.Hsieh "Approaches to fixing Employment Targets in Development Plans", **International Labour Review**, 1968, Vol, 97, no.3.
- 3- K.Marsden, "Progressive Technologies For Developing Countries", in W.Gatenson (ed.), **Essays on Employment**, ILO, Geneva, 1971.
- 4- A.S.Bhalla, "The Role of Services in Employment Expansion", in W. Gatenson (ed.), **Essays on Employment**, ILO Geneva, 1971.
- 5- W.Baer and M.E. Herve, "Employment and Industrialization in Developing Countries", **Quarterly Journal of Economics**, Vol, 80, no. 1.
- 6- H.Chenry, S.Robinson and M.Syrquin, **Industrialization and Growth: A Comparative Study**, New York, Oxford-University Press, 1986.
- 7- Wouter Van Ginneken and Rolph Van der Hoeven, "Industrialisation, Employment and Earning (1950-1987): An International Survey", **International Labour Review**, Vol, 128, 1989, N.5.
- 8- Frances Stewart, "Technology and Employment in LDCS", in Edwards, Op. Cit. pp. 83-132.
- 9- Amartya Sen, **Employment, Technology and Development**, London: Oxford University Press, 1975.

- ۱- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۶۸.
- ۲- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و پیوست‌های آن، مصوب سال ۱۳۷۴.
- ۳- مرکز آمار ایران، سالنامه‌های سنوالتی ۱۳۶۵-۱۳۷۵.
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵.
- ۶- نیلی، مسعود، اقتصاد ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۷- سازمان برنامه و بودجه، **اشتغال در جهان سوم**، ترجمه احمد خزاعی، چاپ اول، سال ۱۳۶۸.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه «مجموعه آماری سری زمانی، آمارهای اقتصادی، اجتماعی»، سال ۱۳۷۵.
- ۹- مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، **مجلات کار و جامعه**.
- ۱۰- سازمان مدیریت صنعتی، **لدیر، شماره ۷۳**، سال ۱۳۷۶.
- ۱۱- مرتضی شریف‌النسی، **چرخه توسعه راهبردی و رشد اشتغال (توسعه اقتصادی-صنعتی کشورهای جنوب شرقی آسیا)**، گزارش تحقیقی، چاپ اول، سال ۱۳۷۵.
- ۱۲- **مجله سیاسی-اقتصادی شماره ۱۲۱-۱۲۲**، صفحات ۱۵۸ الی ۱۸۴ سال ۱۳۷۷.
- ۱۳- **طرح ساماندهی اقتصاد کشور**، سال ۱۳۷۷.
- ۱۴- **ابریشمی، حمید، اقتصاد ایران**، چاپ اول،

□ □ □